

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نگاهی نسخه‌پژوهانه و سبک‌شناسانه به رساله «آداب‌المُردین»

نویسنده مسؤل: عیوض هوشیار

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشکین شهر

Hooshyar1972@gmail.com

چکیده

در کتب رجال، تراجم احوال و تذکره‌های فارسی در حد فاصل سه سده نهم تا یازدهم هجری قمری سه صوفی همانم و همشهری با نشان کمال‌الدین حسین خوارزمی وجود دارد که در حقیقت سه شخصیت جدا از هم و مستقل هستند که هویت یکی از آن سه در اثر خطا و سهو تاریخی، با آن دو دیگر درآمیخته و در گذر زمان بر تاریخ‌نگاران و عرفان‌پژوهان ایرانی مشتبه شده، به تبع آن اشتباه، آثار وی نیز بخطا و ناصواب به نام یکی از آنان نسبت و شهرت یافته است. نوشتار حاضر با هدف پژوهش درباره حقیقت وجودی و شخصیت شیخ «کمال‌الدین حسین بن شهاب‌الدین بن برهان‌الدین قلیچ اندجانی خوارزمی» این عارف صاحب کمال اما گمنام ایرانی، نسخه‌های خطی بازمانده از یکی از رساله‌های صوفیانه او با نام «آداب‌المُردین» را به شیوه نسخه‌پژوهانه معرفی کرده، مختصات ادبی آن را مورد مطالعه سبک‌شناسانه قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: کمال‌الدین حسین خوارزمی، آداب‌المُردین، نسخه‌پژوهی و بررسی سبک‌شناسانه.

۱. مقدمه

یکی از شخصیت‌های ارزنده عالم عرفان و تصوف ایرانی - که در عین کمال مقام و منزلت تاکنون گمنام مانده است - همانا شیخ «کمال‌الدین حسین بن شهاب‌الدین حسن بن برهان‌الدین قلیچ اندجانی خوارزمی» زاده (حدود ۸۸۰ ه.ق) در خوارزم و متوفی (۹۵۸ ه.ق) در حلب است. شیخ کمال‌الدین حسین از پیروان سلسله «کبرویه ذهبیه» از مریدان و آخرین خلیفه شیخ «حاجی محمد الخبوشانی» متوفی (۹۳۸ ه.ق) در خوارزم بوده است.

هویت، شخصیت و مقام عرفانی کمال‌الدین حسین مورد مطالعه ما، مع الاسف با دو شخصیت عرفانی همانم و همشهری اش درآمیخته شده و به تبع این درآمیختگی، آثار وی نیز به نام یکی از هم‌نامان و هم‌شهریانش انتساب و اشتهاار یافته است. بنابراین، اثبات، احیا و معرفی وجود شخصیت عرفانی مستقل اما فراموش شده «کمال‌الدین حسین بن شهاب‌الدین اندجانی خوارزمی» و همچنین تحقیق، شناسایی و اثبات حقانیت تعلق آثار صوفیانه او که در متون تاریخ و ادب بخطا و اشتباه به نام دیگر هم‌نامش نسبت و شهرت یافته است؛ اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش را ایجاب می‌نماید.

در کتب تذکره، تواریخ و رجال تذکره الشعراء دولت‌شاه سمرقندی، فراند غیائی جلال‌الدین یوسف اهل و ... مطالب پراکنده‌ای آمده است و در روزگار اخیر نیز در آثار تألیفی و تحقیقی نظیر: تاریخ ادبیات در ایران از ذبیح الله صفا، تاریخ نظم و نثر در ایران اثر سعید نفیسی، دایره‌المعارف به سرپرستی غلامحسین مصاحب، دانشنامه ادب فارسی به سرپرستی حسن انوشه، دانشنامه زبان و ادب فارسی به سرپرستی اسماعیل سعادت، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، اثر آفرینان به سرپرستی محمدرضا نصیری، مقدمه ینوع الاسرار فی نصائح الابرار از مهدی درخشان، مقدمه شرح فصوص الحکم و همچنین کتاب تحقیقی سایه به سایه از نجیب مایل هروی، اصول تصوف اثر تحقیقی احسان‌الله علی استخری و ... درباره شخصیت‌های برجسته عرفانی با نام «کمال‌الدین حسین خوارزمی» سخن به میان آمده و مطالبی بیان شده است؛ لیکن غالب این مطالب و سخنان درباره کمال‌الدین حسین خوارزمی مقتول به خوارزم (حدود ۸۴۰ ه.ق) و کمال‌الدین حسین تبادکانی خوارزمی متوفی به خوارزم (حدود اوایل سده ۱۱ ه.ق) می‌باشد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نگارنده سطور، در نخستین تحقیقات نسخه‌پژوهانه‌ای که به سال ۱۳۹۳ درباره تذکره عرفانی جاده‌العاشقین (۹۷۳ ه.ق) اثر شیخ شریف‌الدین حسین خوارزمی داشت، با شخصیت شیخ کمال‌الدین حسین آشنا شده، در ادامه تحقیقات جدی‌تر، وی را کشف، احیاء و معرفی کرد؛ و بدین ترتیب گوهری به رسته گوهرهای درخشان کان ادب و معرفت ایرانی افزوده گردید. (ر.ک: هوشیار، ۱۳۹۴: ۴۵۱ - ۴۶۴). پس از اتمام تصحیح و تعلیق تذکره جاده‌العاشقین، به دنبال آثاری از خود شیخ کمال‌الدین حسین اندجانی خوارزمی بود که در نتیجه آن جست‌وجوها، به نسخه‌های خطی نویافته‌ای از آثار وی دست یافت. نخستین آن آثار گرانقدر همانا رساله «ارشاد‌المُردین» تألیف (۹۲۵ ه.ق) و دومین، رساله «آداب‌المُردین» تألیف (۹۲۵ ه.ق) است. باری، اثبات، احیاء و وجود شخصیت مستقل عرفانی با نام «کمال‌الدین حسین بن شهاب‌الدین اندجانی خوارزمی» و همچنین اثبات و معرفی آثار صوفیانه او از اهداف این تحقیق به شمار می‌رود.

۲. روش تحقیق

این تحقیق از زمره تحقیقات بنیادی است که به شیوه مطالعات نسخه‌پژوهانه صورت انجام می‌پذیرد و جامعه آماری آن منحصر به دو نسخه خطی بازمانده از رساله «آداب‌المُردین» می‌باشد که به روش نسخه‌پژوهی متن نسخ مورد مطالعه، تصحیح و گزارش شده است.

۳. متن اصلی (بردازش تحلیلی موضوع تحقیق)

در کتب رجال، تراجم احوال و تذکره‌های فارسی در حد فاصل سه سده (۹ تا ۱۱ ه.ق) سه صوفی هم‌نام و هم‌شهری با نشان کمال‌الدین حسین خوارزمی وجود دارد که در حقیقت سه شخصیت جدا از هم و مستقل هستند که هویت یکی از آن سه در اثر خطا و سهو تاریخی، با آن دو دیگر درآمیخته و در گذر زمان بر تاریخ‌نگاران و عرفان‌پژوهان ایرانی مشتبه شده، به تبع آن اشتباه، آثار وی نیز بخطا و ناصواب به نام یکی از آنان شهرت یافته است. (ر.ک: هوشیار، ۱۳۹۴: ۴۵۱ - ۴۶۴). باری، مطالب این بخش از مقاله را به ترتیب در چهار مرحله به شرح ذیل پیش می‌بریم: ۱. معرفی مختصر هم‌نامان شیخ کمال‌الدین حسین خوارزمی. ۲. آثار شیخ کمال‌الدین حسین خوارزمی. ۳. مطالعات سبک‌شناسانه و بررسی مختصات ادبی رساله آداب‌المُردین. ۴. نسخه‌پژوهی رساله آداب‌المُردین. نخست به تفکیک نام، لقب، تاریخ زندگانی و آثار برجای مانده از این سه هم‌نام هم‌شهری پرداخته، سپس درباره مضمون، محتوا، مختصات ادبی و همچنین نسخه‌شناسی رساله صوفیانه آداب‌المُردین بحث و بررسی می‌کنیم:

۳.۱. هم‌نامان شیخ کمال‌الدین حسین خوارزمی و هم‌نامانش:

۳.۱.۱. کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی: در اهم کتب مرجع معاصر فارسی با استناد به منابع کهن تاریخی ذیل «کمال‌الدین خوارزمی» مطالبی آمده است که به اختصار چنین است: مولانا کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی کبرای ذهبی، نویسنده، عارف و شاعر مشهور قرن نهم هجری متخلص به «حسین»، اصل او از کاسان/کاشان ماوراءالنهر (= فرارود) بود؛ اما چون در خوارزم می‌زیست، به خوارزمی آوازه یافت. در تصوف از شاگردان «ابوالوفاء خوارزمی» ملقب به «پیر فرشته» (؟ - ۸۳۵ ه.ق) از کبار و پیشروان طریقه ذهبیه در ماوراءالنهر بود. کمال‌الدین خوارزمی در حمله دوم ازبکان به خوارزم بین سال‌های (۸۳۹ - ۸۴۰ ه.ق) کشته شد و پیکرش را در کنار آرامگاه پیرش خواجه ابوالوفا به خاک سپردند. برخی آثار او عبارتند از: ۱. ینوع الاسرار فی نصایح الابرار (در اخلاق). ۲. جواهر الاسرار و زواهر الانوار (در شرح مثنوی معنوی). ۳. کنوز الحقایق فی رموز الدقائق (مثنوی عرفانی). ۴. ارشاد‌المُردین / آداب‌المُردین (در تعلیم آداب تصوف). ۵. شرح فصوص الحکم. ۶. شرح قصیده

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«برده». ۷. دیوان اشعار. (نک: صفا، ۱۳۶۴: ج ۴، ۴۹۱ - ۴۹۳: نفیسی، ۱۳۴۴: ج ۱، ۲۴۲ - ۲۴۳: نصیری، ۱۳۸۴: ج ۲، ۳۴۲ - ۳۴۳).

«کمال‌الدین حسین بن احمد بن ابراهیم خوارزمی (? - ۹۵۸ ه.ق) شاعر و عارف فرارودی؛ در بیشتر تذکره‌ها و نیز آنان که در روزگار ما تاریخ ادبیات نوشته اند، زندگی‌نامه وی را با «تاج‌الدین حسین خوارزمی» مقتول (۸۴۰ ه.ق) درآمیخته‌اند. در پاره‌ای مآخذ متأخر او را فرزند «شهاب‌الدین حسین بن برهان‌الدین خلیج انجدانی» (= قلیچ انجدانی) دانسته‌اند. از اوان زندگی، مستعد پذیرش طریقه تصوف بود. پس از چندی، از مریدان حاجی محمد خبوشانی (? - ۹۳۸ ه.ق) شد و در سلک طریقه همدانیه که خود کمال‌الدین حسین، فرزندش شریف‌الدین حسین و محمود غجدوانی آن طریقه را سلسله علیّه حسینیّه همدانیّه نامیده اند، درآمد. کمال‌الدین به واسطه استعدادی که داشت پس از چندی به مقام شیخی رسید و در خوارزم، سمرقند، بخارا و دمشق به ارشاد طالبان پرداخت. در سال (۹۵۷ ه.ق) با گروهی از مریدان رهسپار مکه شد. پس از گزاردن مناسک حجّ به دمشق رفت و خانقاهی در آن سامان برآورد. پس از آن به قصد برآوردن خانقاهی در حلب آهنگ آن شهر کرد، اما در آن دیار درگذشت. کمال‌الدین، آخرین پیر طریقه اغتشاشیه بود. از او اشعاری با تخلص «حسینی» به جا مانده است. شریف‌الدین حسین خوارزمی و کمال‌الدین محمود غجدوانی دو کتاب جاذبه‌العاشقین و مفتاح‌الطالبین را که در بر دارنده برخی اشعار، مقالات و نیز سخنانی در مقامات اوست، نوشته اند. از آثارش: ارشادالمُریدین / آداب‌المُریدین که آن را در سال (۹۲۵ ه.ق) در اخلاق عرفانی نوشته است؛ چهل مجلس که نامی برای مقالات چهل‌گانه اوست و محمود غجدوانی آنها را در مقاله چهارم مفتاح‌الطالبین گنجانیده است». (ر.ک: انوشه، ۱۳۸۰: ج ۱، ۷۴۵).

«کمال‌الدین / تاج‌الدین حسین بن حسن، از نویسندگان و شاعران و صوفیان طریقت کبرویه در قرن نهم ق، متخلص به «حسین». در بسیاری از منابع بویژه منابع متأخر، شرح حال او با شرح حال کمال‌الدین حسین کاشفی سزواری، کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی و بیش از همه با کمال‌الدین حسین خوارزمی کبروی فرزند شهاب‌الدین متوفی (۱۸ شعبان ۹۵۸ ق) که او نیز هم شاعر و هم اهل تألیف بوده، درآمیخته است؛ مشابهت کمال‌الدین نخستین با کمال‌الدین اخیر به قدری است که آثار یکی به دیگری نسبت داده شده است. در نام او نام پدر او هیچ‌گونه تردید نیست؛ زیرا او در بسیاری از آثارش نام خود را حسین بن حسن آورده است؛ اما از لقب کمال‌الدین خود ذکر نکرده است؛ تاج‌الدین و کمال‌الدین هم لقبی است که از جانب دیگران برای احترام به او داده شده است و همین امر نیز اختلاط نام او را با نام کسان دیگری که لقب کمال‌الدین داشته‌اند، بیشتر کرده است. از تاریخ ولادت خوارزمی اطلاعی در دست نیست ولی بر اساس برخی اشارات او در ینبوع الاسرار تولد او را بین سال‌های (۷۷۰ - ۷۸۰ ق) دانسته‌اند. خوارزمی سرانجام در حمله ازبکان به خوارزم بین سال‌های (۸۳۶ - ۸۳۹ ق) به قتل رسید ... آثاری به خوارزمی منسوب است که برخی از آنها، از آن او نیست؛ از جمله: ارشادالمُریدین، آداب‌المُریدین و جوازالسائرین که هر سه به گفته درخشان هرگز در سبک و شیوه به سخنان خوارزمی مانده نیست و انتساب آنها به او خطای محض است». (سعادت، ۱۳۸۸: ج ۳، ۹۰ - ۹۲)

مهدی درخشان به تفصیل به شرح زوایای زندگی کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی پرداخته است. طبق نظر درخشان به ظنّ قریب به یقین می‌توان گفت که وی بین سال‌های (۷۷۰ - ۷۸۰ ه.ق) به دنیا آمده است. (درخشان، ۱۳۶۰: مقدمه ۲۶)، زیرا با توجه به مطالبی که در کتاب ینبوع آورده، در زمان تألیف کتاب (۸۳۲ ه.ق) از پیدا شدن آثار پیری و فتور در خود خبر داده است. (همان، ۳۲۴). با توجه به این سخن، در زمان تألیف کتاب، سنّ وی ۴۰ تا ۵۰ بوده است. او به لحاظ طریقتی، مرید خواجه ابوالوفاء خوارزمی صوفی، از اقطاب سلسله کبرویه (۷۴۰ - ۸۳۵ ه.ق) بوده است؛ و بین سال‌های (۸۳۴ تا ۸۳۹ ق) در هجوم ازبکان به خوارزم به شهادت رسیده است. (درخشان، ۱۳۶۰: مقدمه ۲۸ - ۳۰).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

همچنین بر اساس «تذکره الشعراء»، این خوارزمی در دربار شاهرخ [گورکانی (۸۰۷ - ۸۵۰ ه.ق)] چهارمین پسر امیر تیمور و از جانشینان او [جزو بزرگانی همچون محمد بخاری معروف به «پارسا» (شیخ نقشبندی) و خواجه صائِن الدین تُرکه اصفهانی و شرف الدین علی یزدی و با شاعرانی چون شیخ آذری طوسی، بابا سودائی، مولانا علی شهاب، امیر شاهی سبزواری، کاتبی ترشیزی و مولانا نسیمی نیشابوری ملازم و مصاحب بوده است. (نک: سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۷۹).

نکته جالب توجه در مورد لقب او این است که هرچند شیخ «حسین بن حسن خوارزمی» در برخی منابع پژوهشی با لقب «کمال الدین» شهرت یافته است؛ لیکن نجیب مایل هروی معتقد است که: لقب وی «تاج الدین» بوده است. (نک: خوارزمی، ۱۳۶۴: ج ۱، مقدمه ۱۵؛ مایل هروی، ۱۳۷۸: ۱۴۵ - ۱۵۴). این سخن مایل هروی با عنایت به کتاب «فرائد غیائی» مورد توجه است. چراکه در هیچ یک از منابع کهن تاریخی از لقب حسین بن حسن خوارزمی یاد نشده است؛ وی تنها در نامه‌هایی که برای مشایخ و محققان هم‌دوره خود نوشته، به لقب خویش (تاج الدین) اشاره کرده است. یکی، نامه‌ای که او در پاسخ به نامه «جلال الدین یوسف اهل» [حیات حدود ۷۸۵ - ۸۶۰ ه.ق] از خوارزم به جام فرستاده؛ و دیگری، نامه‌ای که در پاسخ به شخصی به نام «فصیح الدین لاژی / لاجی» [= فصیح خوافی] (۷۷۷ - ؟ ه.ق) نوشته است. (ر.ک: یوسف اهل، ۱۳۵۴: ج ۲، ۵۶۰ - ۵۷۰؛ مایل هروی، ۱۳۷۸: ۱۴۵ - ۱۵۴).

۳. ۱. ۲. کمال الدین حسین تبادکانی خوارزمی: در آثار برخی از محققان، از جمله در کتاب «اصول تصوف» اثر تحقیقی احسان الله علی استخری، از فردی به نام «کمال الدین حسین تبادکانی خوارزمی» سخن به میان آمده ولی در بیان اصل و نسب او، دقیقاً مناقب شیخ «کمال الدین حسین اندجانی خوارزمی» صاحب رساله «ارشاد المریدین» و پدر شیخ «شریف الدین حسین» صاحب تذکره «جاده العاشقین» را آورده شده است؛ و او را اهل تبادکان (قصبه‌ای در حومه مشهد) دانسته است. استخری در همین کتاب، تبادکانی را از سلسله ذهبیه و مرید عماد الدین فضل الله مشهدی [؟ - ۹۱۴ ه.ق مقتول] شمرده و بیان کرده است که: به اشارت او نزد شیخ کاملی رسید (گویا محمد خوبشانی) اما کمال او به وسیله غلامعلی نیشابوری صورت پذیرفت و دختر او را به زنی گرفت، اما به صراحت نامی از محمد خوبشانی نبرده است. وی محمد کارندهی / کاردهی [؟ - ۹۵۸ ه.ق]، از اقطاب سلسله ذهبیه را از مریدان او دانسته است. استخری او را شارح فصوص الحکم دانسته و از او اشعاری در مدح اهل بیت و مذمت دشمنان آنها ذکر کرده است. زمان ارشاد او در نیمه دوم قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری، و وفاتش در اوایل قرن یازدهم در تبادکان ذکر شده است. (ر.ک: علی استخری، ۱۳۳۸: ۳۵۲ - ۳۶۱).

۳-۲. نامی در شناسایی حقیقت وجودی شیخ «کمال الدین حسین خوارزمی» مورد تحقیق ما

چنان که ملاحظه می‌شود، در تاریخ ادبیات صفا، شخصیت مورد بحث همان «کمال الدین حسین» مقتول در خوارزم بین سال‌های (۸۳۹ - ۸۴۰ ه.ق) می‌باشد و از فردی با هویت «کمال الدین حسین خوارزمی» متوفی در حلب (۹۵۸ ه.ق) سخنی در میان نیست. همچنین در دانش نامه ادب فارسی نیز سخن از شخص معینی گفته نشده، بلکه صرفاً به نقل و روایت بسنده شده است که در برخی منابع با لقب «کمال الدین» و در بعضی دیگر «تاج الدین» یاد کرده‌اند. نهایتاً در دانش نامه زبان و ادب فارسی نیز با اندک تفاوتی با دو منبع پیشین مطالب مشابهی بیان شده است. البته با نقل مطلبی از مهدی درخشان که آثاری به کمال الدین حسین بن حسن نسبت داده شده است که در مقایسه با سبک نگارش سایر آثار او با این آثار منسوب، انتساب این آثار به کمال الدین خطاست. همچنین از مطالب کتاب اصول تصوف معلوم می‌گردد که شخصیت «کمال الدین حسین بن شهاب الدین خوارزمی» و «کمال الدین حسین تبادکانی خوارزمی» مشتبه شده و شرح حالشان بهم درآمیخته شده است؛ و این در حالی است که به گواه تاریخ، کمال الدین حسین تبادکانی خوارزمی سالیانی متأخر (اواخر سده ۱۰ و اوایل سده ۱۱) از کمال الدین حسین اندجانی خوارزمی می‌زیسته است. (ر.ک: هوشیار، ۱۳۹۴: ۴۵۱ - ۴۶۴). در دانش نامه ادب فارسی ذیل «تبادکانی» شرح حالی که برای کمال الدین حسین خوارزمی آمده است، دقیقاً همین اشتباه به چشم می‌خورد. (ر.ک: انوشه، ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۷۵).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

خلاصه بحث این که: نخستین «کمال‌الدین حسین خوارزمی» که گاهی با لقب «تاج‌الدین» نیز از او یاد شده است، همان صاحب دو اثر معروف «جواهرالاسرار و زواهر الانوار» و «المقصد الاقصی فی ترجمه المستقصی» است که معاصر شاهرخ بن امیر تیمور گورکان می‌باشد که در فتنه ازبکان حدود سال‌های (۸۳۹ یا ۸۴۰ ه.ق) در خوارزم به قتل رسیده است. سومین «کمال‌الدین حسین خوارزمی» نیز در اصل متعلق به دو تبادکان (از توابع توس) است و به گواه تاریخ، سالیانی متأخر (اواخر سده ۱۰ و اوایل سده ۱۱) از «کمال‌الدین حسین اندجانی خوارزمی» می‌زیسته است؛ و هویت این دو شخص مشتبه شده و شرح حالشان در هم آمیخته است. در میان این دو کمال‌الدین حسین، در حد فاصل سده‌های نهم تا یازدهم، شخصیت عرفانی دیگری با نشان «کمال‌الدین حسین خوارزمی» - که مورد تحقیق ماست - وجود داشته و می‌زیسته که به استناد نص صریح تذکره «جاده العاشقین»، نام پدرش «شهاب‌الدین حسین» و نام پدر جدش «برهان‌الدین قلیچ» از سرزمین «اندجان / اندیجان» سمرقند بوده که در زمان جوکی میرزا - از فرزندان شاهرخ بن تیمور و حاکم سمرقند - به خوارزم مهاجرت کرده‌اند و در آنجا زیسته و به خوارزمی شهره گشته‌اند. (برای آگاهی بیشتر ر.ک: هوشیار، ۱۳۹۴: ۴۵۱ - ۴۶۴).

بنابراین، واضح است که آن دو «کمال‌الدین حسین خوارزمی» پیشین، شخصیت‌های جداگانه‌ای هستند، و «کمال‌الدین حسین خوارزمی» ما غیر از آن دو هم‌نام و هم‌شهری اوست؛ و شخصیت عرفانی مستقلی است که به تصریح «جاده العاشقین» در سحرگاه هژده شعبان (۹۵۸ ه.ق) در بازگشت از سفر حج در شهر حلب وفات یافته است. همچنین تاریخ زندگانی «کمال‌الدین حسین خوارزمی» ما متفاوت با حیات آن دو هم‌نام و هم‌شهری وی می‌باشد؛ بدین صورت که وفات او حدود ۱۲۰ سال متأخر از کمال‌الدین حسین مقتول اتفاق افتاده است؛ و کمال‌الدین حسین متوفی به تبادکان نیز چندین دهه پس از کمال‌الدین حسین مورد تحقیق ما می‌زیسته است.

نتیجه این که، بر بنیاد مطالبی که از منابع تحقیقی یادشده آوردیم، معلوم می‌گردد که قطعاً شخصیت عرفانی سومی هم‌نام با آن دو کمال‌الدین وجود داشته است که هویتش با آن دو دیگر درآمیخته و نهایتاً از حافظه تاریخ فراموش شده است؛ آثاری نیز داشته که به تبع این درآمیختگی، آن آثار نیز بخطا به یکی دیگر از هم‌نامان او نسبت و شهرت یافته است.

۳.۳. آثار شیخ «کمال‌الدین حسین خوارزمی»: به گواهی نسخه‌های خطی موجود، تاکنون دو رساله عرفانی به نام‌های زیر از شیخ کمال‌الدین حسین اندجانی خوارزمی شناسایی شده است:

۱. رساله «ارشاد المریدین» (تألیف: ۹۲۵ ه.ق).

۲. رساله «آداب المریدین» (تألیف: ۹۳۶ ه.ق).

همچنین اثر دیگری با عنوان «چهل مجلس» از او یاد شده است که در مقاله چهارم تذکره مفتاح الطالبین (۹۵۰ ه.ق) اثر مرید وی کمال‌الدین محمود غجدوانی مندرج است. (نک: مایل هروی، ۱۳۷۸: ۱۴۷ - ۱۴۸)؛ نیز اشعار پراکنده‌ای از او در متن دو رساله «ارشاد المریدین» و «آداب المریدین» و دو تذکره «جاده العاشقین» و «مفتاح الطالبین» به چشم می‌خورد که احتمال وجود دیوان اشعاری از او می‌رود. (نک: همان، ۱۴۷).

۴.۳. مطالعات سبک‌شناسانه و بررسی مختصات ادبی رساله «آداب المریدین»: پس از رساله فاخر «ارشاد المریدین» (۹۲۵ ه.ق) - که نخستین اثر صوفیانه شیخ کمال‌الدین حسین خوارزمی است - رساله «آداب المریدین»، دومین اثر گرانمایه و صوفیانه آن شیخ می‌باشد که حدود یازده سال پس از آن رساله، به نثری ساده، دلنشین و آمیخته به نظم - که ویژه نگارش اوست - در محل خانقاه «سفیدمون» بخارا به تاریخ (۹۳۶ ه.ق) در موضوع آداب تصوف در یک دیباچه، دو فصل و سه قسم (= ادب) و یک خاتمه کوتاه به شرح ذیل صورت تألیف و تبویب یافته است:

دیباچه: در حمد و ثنای خداوند، توصیف حال عرفا و مشایخ، و سرانجام بیان داعیه تألیف و ترتیب رساله.

فصل اول: «در بیان آداب مرید با پیر».

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

قسم اول: ادب خدمت.

قسم دوم: در آداب صحبت با شیخ.

قسم سوم: در آداب خلوت.

فصل دوم: «در بیان آداب حرمت داشتن درویشان یکدیگر را».

خاتمه: در بیان هدف، مکان و زمان نگارش رساله.

بررسی‌های سبک‌شناسانه نشان می‌دهد که رساله از نظرگاه فکری دارای مضامین تعلیمی است و حاوی آموزه‌های زاهدانه و عارفانه متأثر از تصوف مکتب خراسان کهن می‌باشد. از لحاظ ادبی نیز صنایع ادبی (لفظی و معنوی) در راستای القای آموزه‌های پندآمیز و تعلیمی به کار گرفته شده‌اند. گفتنی است که زبان شیخ در این رساله مملو از واژه‌ها، تراکیب و اصطلاحاتی است که بار عرفانی و صوفیانه دارند؛ لفظ و معنا با یکدیگر دارای پیوندی منسجم و استوار است و لحن کلامش خطابی و نصیحت‌گرانه می‌باشد. او در گفتارش به شیوه خراسانیان سخن می‌گوید و گاهی از واژگان رایج در دیار خود در قالب (اصطلاحات زبانی) استفاده می‌کند. به مناسبت‌های مختلف به اقتضای کلام، از آیات، احادیث و اقوال شیوخ و اشعار عرفای شاعر استفاده کرده و گهگاه ابیات و اشعاری نیز از خود بیان کرده است. البته حاصل تحقیق نشان می‌دهد که کمال‌الدین حسین خوارزمی شاعر حرفه‌ای نیست، بلکه عارفی است که ذوق شعری دارد و اشعار زلالی با تخلص «حسینی» می‌سراید. در زیر به برخی مختصات سبکی و ویژگی‌های ادبی این رساله می‌پردازیم:

۱. استفاده از آیات، احادیث قدسی، نبوی و کلام بزرگان مشایخ و ...

۲. استعمال شواهد شعری از عرفا و متصوفه.

۳. استعمال برخی صناعات ادبی نظیر: سجع، موازنه، تضاد، تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و ...

۴. متصل نوشتن حرف اضافه «به» با اسما، صفات، قیود و ضمائر.

۵. فک باء تأکید و نون نفی از آغاز برخی افعال:

– همای همّت ایشان جز بر قلّه قافِ قُربت نه‌نشیند. (دبیاچه، ۲).

– هر لحظه تخم لطایفِ نصایح در مزرعه دل طالب بی‌اندازد. (همان، ۳).

– و چون مصلّی بی‌اندازد، هر دو طرف پیش مصلّی را بهر دو دست بگیرد. (ف ۱، ۱۱).

– تا مادامی که در فرمان نفس اماره بود، هرگز روی صلاح و فلاح را نه‌بیند. (ف ۲، ۱۵).

۶. به‌کارگیری مکرر جمع‌های عربی در سراسر رساله (اعم از جمع‌های مؤنث سالم و مکسر).

۷. استعمال برخی مصادر عربی که در فارسی مصادر جعلی نامیده می‌شوند:

– و بعد از قبولیت ردّ نکنی... (ف ۱، ۱۲).

– زیرا که گواهِ قابلیتِ مردم قول و فعلست. (همان، ۱۳).

۸. آوردن صفات مطابق موصوف به سیاق کلام عربی نظیر: مواد فاسده، انفاس طیبیه (دبیاچه، ۲)، اعمال صالحه، افعال مرضیه،

احوال شریفه، مقامات سنیه (همان، ۳)، مقاصد علیّه، مراتب جلیّه (ف ۱، ۴)، خیالات فاسده (همان، ۹)، افعال کریهه،

اخلاق ردیّه، اجزای ظاهریّه (ف ۲، ۱۵).

۹. استعمال «را» فک اضافه:

– طالبان هدایت را بی ضوایای بیضای آداب طریقت، صبح سعادت ... طالع نمی‌گردد. (دبیاچه، ۳).

– در ابتدا سالکان را بی‌واسطه و مناسبتی توجّه بآن دو است. (ف ۱، ۹).

– درویش را دماغِ فطرت از ... منور شود. (همان، ۱۰).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱۰. استعمال حرف «را» در معنای حرف اضافه:
- حمد و ثنای بیحدّ احدی را که... (دبیاچه، ۱).
 - سالک را بی این، هیچ مرتبه و مقامی حاصل نگردد. (همان، ۳).
 - بعضی از ایشان را استعدادِ تتبّع و استنباطِ آن نبود. (همان، ۳).
 - تا ساکنانِ خانقاه و سایر اخوانِ این درگاه را دستورالعمل باشد. (همان، ۳).
 - امیدست که ایامِ اوقاتِ گذشته را وجه تلافی پدید آید. (ف ۱، ۴).
 - مُرید را در راه هزارگونه خوف بُود و رجاء. (همان، ۵).
 - این جمله او را مطلوب گردد. (همان، ۷).
 - اگر درویشی را چنین مشکلی افتد، چون گذرد؟ (همان، ۸).
 - بدرستی که ایشان را دولتی است. (همان، ۸).
 - هیچ کس را از آن خبری نباشد. (ف ۱، ۱۰).
 - هیچ چیز درویش مبتدی را به از صورتِ شیخ نیست. (همان).
۱۱. استعمال حرف «را» برای نهادِ فعل مجهول:
- مرتّب گردانیده می شود این نسخه را بر دو فصل. (دبیاچه، ۳).
۱۲. استعمال نهاد با فعل مجهول:
- لائذیاتِ اصول آن در صحیفهٔ بیان منقّش گردانیده شود. (دبیاچه، ۳).
 - چند کلمه در سلکِ بیان آورده شود. (ف ۲، ۱۶).
 - و این آدابی که بیان کرده شد... (همان، ۱۹).
۱۳. آوردن حرف زاید «مر» پیش از مفعول غیر صریح:
- هر آینه واجبست مر ایشان را دانستن و رعایت کردنِ آداب. (دبیاچه، ۳).
 - مر او را واجبست که حرمتِ آداب پیشوای خود را نگاه دارد (ف ۱، ۴).
 - پس واجب آمد مر درویش را که بمجرّد نامی از درویشی قانع نشود. (ف ۲، ۱۵).
۱۴. به کار بردن قیود تأکیدی مرکب:
- بدرستی که ایشان را دولتی است. (ف ۱، ۸).
 - پس بحقیقت، ادب با این طایفه ادیبست با حق. (همان، ۸).
 - و این خاصیت بکرات بتجربه معلوم شده است. (همان، ۹).
 - لایزال عکس پذیر و مسرورست. (همان).
 - باحتیاطِ تمام در باز و فراز کند. (همان، ۱۰).
 - حیلتها و رخصتهای شرعی را منظور ندارد بتخصیص در طعام و جامه و ... (همان، ۱۳).
 - و بمجرّد تعریفات و تحسینات و ... خود را واصل و کامل خیال نکند. (همان، ۱۸).
۱۵. به کار بردن برخی اصطلاحات زبانی (گوشی):
- تَه/ تاه: (= تو، لای). و اگر مصلّی بزرگ بود، دو تَه سازد؛ و اگر مصلّی تک تَه بُود، ... (ف ۱، ۱۱).
 - خورد (= کوچک): و لقمه را خُورد برگیرد. (ف ۱، ۱۲).
 - کران شدن: منقّضی شدن، گذشتن. «چون وضوی او کران شود، باز تجدید کند». (همان، ۱۴).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- خورد (=فرو دست، کهتر): وظیفه درویش خورد آنست که... (ف ۲، ۱۶). وظیفه درویش خورد آنکه خود را از همه کس کمتر داند. (همان، ۱۸).

- کلان (=فرا دست، بزرگ): با درویشان کلان با عزت و احترام و به فرمان برداری و اکرام باشد. (همان، ۱۶). وظیفه درویش کلان با خوردان آنست که با ایشان برفق و مدارا و ایثار باشد. (همان، ۱۸).

- بازگانه / بازگانه (= به عقب، برعکس). «و در وقت وداع زود روی نگرداند و چند قدمی بازگانه رود». (همان، ۱۷).

- نی (= نیست و نه): «زیرا که بر گناه خود مطلع است و بر گناه دیگری نی». (همان، ۱۸).

- غلورخانه: (غلور یا فلور) در گویش خراسانی به معنی در آغوش فشردن است. غلورخانه نیز به ملازمت لوندخانه، به نظر می رسد معادل معنای «مکان هم آغوشی و عشرتکده» باشد. «و خانقاه را غلورخانه و لوندخانه نسانند». (همان، ۱۹).

۳. ۵. بررسی نسخه شناسانه رساله: از رساله «آداب المریدین» تاکنون دو نسخه خطی در دسترس است که به ترتیب تاریخ کتابت، به شرح ذیل مختصراً معرفی می شوند:

۳. ۵. ۱. نسخه خطی مجلس شورای ملی به شماره ۳/ ۱۰۰۴۳/ ۱۰۰ با نام اختصاری (مج ۱): این نسخه، مجموعه ای ۱۲۳ صفحه ای است که از صفحه ۱ تا ۷۶ «ارشاد المریدین» و از صفحه ۷۷ تا ۹۴ «دیوان اشعار» و از صفحه ۹۵ تا ۱۲۳ «آداب المریدین» را شامل است. این نسخه در ۲۹ برگ دورویه مجموعاً در ۵۷ برگ و هر برگ در ۹ سطر به خط نستعلیق کتابت شده و نام کاتب آن ذکر نگردیده است؛ اما در برگ پایانی آن، تاریخ و مکان اتمام تألیف رساله چنین آمده:

«شد تمام این رساله آداب به عطاءِ مُسببِ الاسباب...»

در بیست و چهارم ذی الحجه بود که تألیف این نسخه به اتمام انجامید. در خانقاه فیض آباد سفیدمون که از قرای بلدة فاخره بخارا است - حَرَسَهُ اللهُ عَنِ الْبَلِيَّاتِ وَ الْآفَاتِ - در تاریخ سنه سِتِّ وَ ثَلَاثِينَ وَ تِسْعَمَائِهِ [۹۳۶ ه.ق.] در ولایت خیوق مرقوم شد.

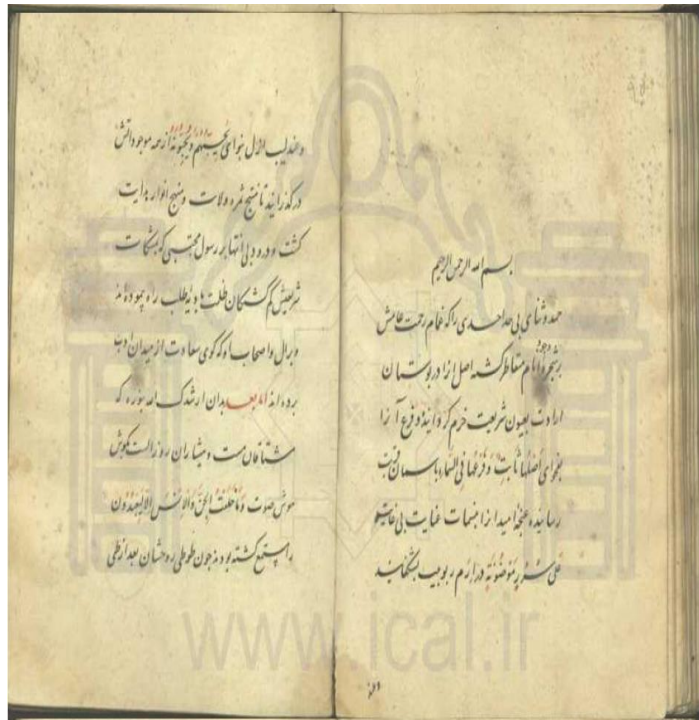
۳. ۵. ۲. مجموعه نسخه خطی مجلس شورای ملی به شماره ۱۵/ ۳۲۶۰/ ۱۵ با نام اختصاری (مج ۲): این نسخه ۳۰۸ صفحه ای، شامل چندین رساله عرفانی از عرفای دوره های مختلف است که صفحات پایانی آن یعنی از صفحه (۲۵۲ تا ۲۹۳) به «ارشاد المریدین» و از صفحه (۲۹۳ تا ۳۰۸) به «آداب المریدین» مربوط است. تعداد برگ های این نسخه خطی ۱۶ صفحه و هر صفحه دارای ۱۹ سطر به خط نستعلیق می باشد. در این نسخه خطی، تاریخ تألیف رساله مذکور نیست؛ ولی تاریخ و مکان کتابت آن بدین گونه آمده است: «در شب هیجدهم شهر ذالحجه الحرام تحریر شد بفرموده عالیجاه مقرب الخاقان اتائی اتای معین الرعایا دام اقباله العالی در دارالسلطنه قزوین نوشته شد. کتبه الحقییر الفقیر محمد هاشم.

نوشته بماند بسی سال و ماه نویسنده در خاک گردد تباه

سنه یک هزار و سیصد و هفت [۱۳۰۷ ه.ق.] هجری نبوی صلی الله علیه و آله و سلم.»

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature



برگ آغاز (مجله ۱)



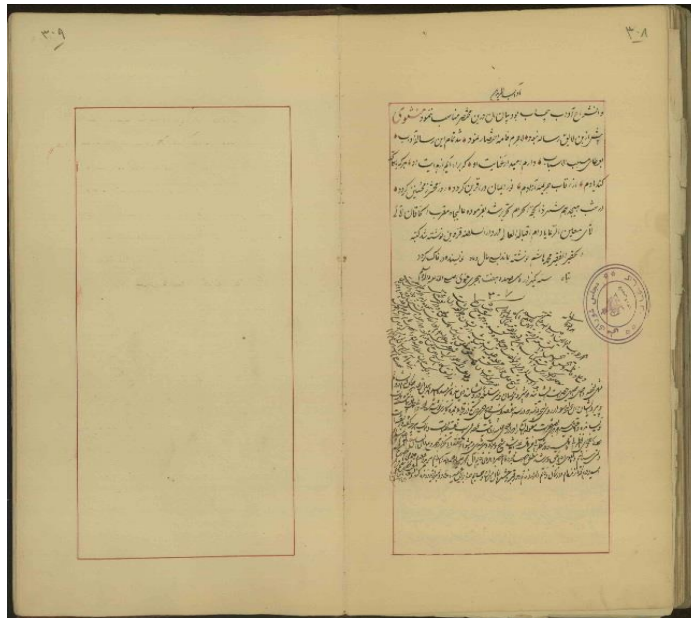
برگ انجام (مجله ۱)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature



برگ آغاز (مج ۲)



برگ انجام (مج ۲)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۴. یافته‌ها و نتایج تحقیق

شیخ کمال‌الدین حسین خوارزمی مورد تحقیق ما با نشان کامل «کمال‌الدین حسین بن شهاب‌الدین بن برهان‌الدین قلیچ اندجانی خوارزمی» (متوفی ۹۵۸ در حلب) با تخلص «حسینی» شخصیت عرفانی مستقل از دو هم‌نام و هم‌شهری خویش می‌باشد؛ و نخستین هم‌نام و هم‌شهری او (مقتول ۸۴۰ ه.ق در خوارزم) حدود ۱۲۰ سال پیش از وی زندگی می‌کرده است و هم‌نام دیگرش سال‌ها پس از او (اواخر سده ۱۰ و اوایل سده ۱۱ ه.ق) می‌زیسته است.

رساله صوفیانه «آداب‌المُردین» (تألیف ۹۳۶ ه.ق) به اعتبار تاریخ تألیف آن و در قیاس با تاریخ زندگانی آن سه عارف هم‌نام، یقیناً متعلق به «کمال‌الدین حسین خوارزمی» مورد تحقیق این نوشتار می‌باشد که بخاطر اشتباه به دیگر هم‌نام او (خوارزمی مقتول) منسوب گشته است. همچنین، سبک نگارش و لحن بیان موجود در متن آن رساله، در قیاس با متن و لحن بیان کلام، دقیقاً شبیه متن رساله «ارشاد‌المُردین» (تألیف ۹۲۵ ه.ق) نخستین اثر صوفیانه کمال‌الدین حسین مورد تحقیق ماست؛ و در قیاس با متن و لحن کلام خوارزمی مقتول در آثاری همچون «ینوع الاسرار» و «جواهر الاسرار و زواهر الانوار» و ... این رساله در سبک و شیوه، به سخنان او مانده نیست و انتساب آن به وی خطا است.

رساله «آداب‌المُردین» مورد تحقیق ما، از نظرگاه فکری دارای مضامین تعلیمی است و حاوی آموزه‌های صوفیانه متأثر از تصوّف مکتب خراسان کهن است. از لحاظ ادبی نیز صنایع ادبی در راستای القای آموزه‌های پندآمیز و تعلیمی به کارگرفته شده است. زبان رساله مملوّ از واژه‌ها، تراکیب و اصطلاحاتی است که بار عرفانی و صوفیانه دارند. لحن کلام رساله نیز، خطابی و نصیحت‌گرانه می‌باشد؛ مؤلف در گفتارش به شیوه خراسانیان سخن می‌گوید و گاهی از واژگان رایج در دیار خود در قالب اصطلاحات زبانی استفاده می‌کند.

۵. پیشنهادات

کمال‌الدین حسین بن شهاب‌الدین اندجانی خوارزمی به گواه برخی اسناد تاریخی و تحقیقی، علاوه بر دو رساله صوفیانه «ارشاد‌المُردین» و «آداب‌المُردین» آثار دیگری با نام‌های «چهل مجلس» و «دیوان اشعار» دارد که شناسایی نسخ خطی آن آثار و تصحیح و گزارش آنها قطعاً به احیای متون خطی آثار کهن فارسی کمک شایانی خواهد کرد و موجب غنی‌تر شدن گنجینه تاریخ و ادب عرفان ایرانی خواهد شد که به پژوهندگان عرفان و ادب ایرانی توصیه می‌گردد.

منابع و مراجع

- ۱) انوشه، حسن (به سرپرستی): دانش‌نامه ادب فارسی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.
- ۲) خوارزمی، تاج‌الدین حسین بن حسن: ینوع الاسرار فی نصائح الابرار، تصحیح و مقدمه مهدی درخشان، انتشارات انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، تهران، ۱۳۶۰.
- ۳) _____، تاج‌الدین حسین بن حسن: شرح فصوص الحکم، به اهتمام نجیب مایل هروی، نشر مولی، تهران، ۱۳۶۴.
- ۴) _____، شریف‌الدین حسین: تذکره جادة‌العاشقین، تصحیح و تعلیق عیوض هوشیار، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ۱۳۹۳.
- ۵) _____، کمال‌الدین حسین: رساله ارشاد‌المُردین، تصحیح و تعلیق عیوض هوشیار، نشر اختر، تبریز، ۱۳۹۹.
- ۶) سعادت، اسماعیل (به سرپرستی): دانش‌نامه زبان و ادب فارسی، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۸.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- ۷) سمرقندی، دولت‌شاه: تذکره الشعراء، تصحیح ادوارد براون، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۲.
- ۸) صفا، ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۶۴.
- ۹) علی استخری، احسان‌الله: اصول تصوف، انتشارات کانون معرفت، تهران، ۱۳۳۸.
- ۱۰) مایل هروی، نجیب: سایه به سایه، نشر گفتار، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۱) مصاحب، غلامحسین: دایرةالمعارف، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱.
- ۱۲) موسوی بجنوردی، سید کاظم (زیر نظر): دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۳) نصیری، محمدرضا (سرپرستی): اثر آفرینان، انجمن آثار مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۴) نفیسی، سعید: تاریخ نظم و نثر در ایران، انتشارات فروغی، تهران، ۱۳۴۴.
- ۱۵) هوشیار، عیوض: «نگاهی انتقادی به تذکره عرفانی جادةالعاشقین ...»، فصلنامه بهار ادب، سال ۸، ش ۲، پی در پی ۲۸، ۱۳۹۴، صص ۴۵۱ - ۴۶۴.
- ۱۶) یوسف اهل، جلال‌الدین: فرائد غیائی، به کوشش حشمت مؤید، بنیاد فرهنگ ایران زمین، تهران، ۱۳۵۴.

A Copy Research and Stylistic Look to «*Adab al-Moridin*» Treatise

Corresponding author: Eivaz Hooshyar

Associate Professor. Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University Meshkinshahr, Meshkinshahr, Iran

Hooshyar1972@gmail.com

Abstract

Sheikh «Kamalodin Hossein Andijani Kharazmi» is among Iranian Sufis of late 9th and early 10th century AH, who belongs to Sufi school of great Khorasan and his identity and life history have been governed by the fame and reputation of his two namesakes and fellow citizens and forgotten from the historical memory. Additionally, valuable Sufi works has been left behind him, which according to the existing manuscripts, «Adab al-Moridin's» theosophical treatise seems to be the second work of his works which has been attributed to one of his namesakes and fellow citizens by mistake. Therefore, the current research is a copy study conducted to introduce the manuscripts left from this treatise, and to stylistically investigate its theme, content, and literary coordinates.

Key words: Kamalodin Hossein Kharazmi, *Adab al-Moridin*, Copy research, Stylistic investigation.